

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۹

بخش یکم: خانواده و محیط پیرامون..... ۱۵

فصل اول: از کودکی تا نوجوانی..... ۱۷

فصل دوم: «یک تجربه» از یک دگرگونی بزرگ..... ۵۱

بخش دوم: از قلهک تا پاریس..... ۱۰۷

فصل سوم: دانشگاه تهران..... ۱۰۹

فصل چهارم: از ماشین‌داری تا ایران‌شناسی..... ۱۴۳

فصل پنجم: سربازی..... ۱۷۳

فصل ششم: در کوره‌پزخانه..... ۱۸۵

فصل هفتم: کفتربازی استاد ایران‌شناس..... ۱۹۳

فصل هشتم: سفر به فرانسه..... ۲۰۹

بخش سوم: در جادهٔ انقلاب..... ۲۳۵

فصل نهم: در آستانهٔ انقلاب..... ۲۳۷

فصل دهم: دیدار با چهره‌ها..... ۲۴۷

۲۶۵	بخش چهارم: حضور در مدیریت دولتی
۲۶۷	فصل یازدهم: در فرمانداری پاوه
۲۸۵	فصل دوازدهم: در وزارت نفت
۳۱۹	فصل سیزدهم: در مرکز تحقیقات پست
۳۴۷	بخش پنجم: در ژرفای اندیشه‌ورزی
۳۴۹	فصل چهاردهم: سه کتابی که یک نفر را شهره کرد
۳۸۱	فصل پانزدهم: چرا نهادگرا شدم؟
۴۲۹	بخش ششم: به روایت تصویر

تقدیم به همه کسانی که ایران را دوست دارند و برای زمانه
دوست مردمانش تلاش می‌کنند.
علی زنجانی

پیشگفتار

روزنامه وقایع اتفاقیه در شماره ۵ مورخ ۲۳ ربیع الاول ۱۲۶۸ ق، یعنی پنج روز پس از مرگ میرزا تقی خان امیرکبیر، این گونه گزارش می‌کند:

غلامی از غلامان عالیجاه جلیل خان یوزباشی - که یکشنبه نوزدهم این ماه از فین وارد دارالخلافه شده - مذکور داشت که میرزا تقی خان احوال خوشی ندارد. صورت و پایش تا زانو ورم کرده است. موافق این اخبار چنان معلوم می‌شود که خیلی ناخوش باشد و می‌گویند که از زیادی جبن و احتیاط که دارد، قبول مداوا هم نمی‌کند و هیچ طبیبی را بر خود راه نمی‌دهد.

با وجود چنین گزارش‌های رسمی‌ای (!) می‌توان پرسید: اگر وقایع‌نگاری و خاطرات برخی از رجال آن عصر نبود، امروز درباره قتل فجیع امیرکبیر چگونه قضاوت می‌شد؟

بر این اساس، تاریخی که فاتحان نگاشته‌اند نه تنها برای کشف واقعیت کفایت نمی‌کند، بلکه در نشان دادن زندگی روزمره مردم نیز ناتوان است، زیرا زیست واقعی و زندگی روزانه مردم در میان آنچه قلم این فاتحان به عنوان تاریخ ضبط کرده، جای چندانی ندارد. در نقد چنین رویه و رویکردی، مکاتب تاریخ‌نگاری دیگری قد برافراشته‌اند که دست بر قضا، کانون توجه و تمرکز خود را بر جزئیات زندگی جاری و روزانه مردم قرار داده و از این منظر، اطلاعات گسترده‌ای درباره «شیوه زندگی» و «راه‌رسم حیات جمعی» در جوامع گوناگون فراهم کرده‌اند. همچنین پیشرفت دانش بشر در حوزه‌های مختلف علوم انسانی - اجتماعی، دلالت بر آن دارد که بدون این جزئیات راهیابی به شناختی علمی و منطبق

بر واقع از رخدادهای تاریخی، ناشدنی است؛ جزئیاتی که تا پیش از این نادیده گرفته می‌شد و ضرورتی برای ثبت و ضبط آن‌ها وجود نداشت. اما امروز در چارچوب رویکرد یادشده، مذاقه در این جزئیات، ضرورتی تام یافته و با گردآوری آن‌هاست که امکان مقایسه و مطالعه دقیق تاریخی فراهم می‌شود. در چنین چارچوبی و با چنین رویکردی، می‌توان «سنت وقایع‌نگاری» در ایران را به نقد کشید و سهل‌انگاری ایرانیان در مستندسازی رخدادهای و نگهداری از اسناد را برجسته کرد. این گونه است که حتی درباره وقایعی نه‌چندان دور اما مهم، اختلاف‌نظرها و تفاوت در داوری‌ها، نه بر اساس شواهد و مدارک تاریخی (برآمده از واقعیت)، که با تکیه بر گرایش‌های فردی و سلیقه‌ها پیش می‌رود. روشن است و ناگفته پیداست که آنچه در این میانه قربانی می‌شود «شناخت» است و تجربه؛ تجربه‌ای که اگر در مواجهه‌ای روشمند و بر اساس قواعد و اصول، ثبت و ضبط می‌شد، می‌توانست مبنای پرهیز از آزمون و خطاهای تکراری شود.

برای تحقق چنین رویکردی لازم است با آنانی که در سال‌های رفته، زندگی کرده‌اند و هریک تجربه‌ای از زندگی گذشته دارند نشست و نفس زد و دیده‌ها و شنیده‌ها را ثبت کرد تا با کنار هم گذاشتن آنچه از دیدگاه‌های مختلف و تجربه‌های متفاوت به دست آمده، تصویری نزدیک به واقعیت از «چگونگی حیات جمعی» در روزهای پیشین به دست آورد. هر چند مجال آن نیست که بنیان‌های نظری و تکیه‌گاه‌های روش‌شناختی این رویکرد تشریح شود، می‌توان به همین مقدار بسنده کرد که در نبود چنین دامنه‌ای از اطلاعات، قضاوت تاریخی امکان‌ناپذیر خواهد بود و باز، روشن است که بدون تاریخ، زندگی جمعی معنایی نخواهد داشت.

در کتاب پیش‌رو، بر موضوع مهم و کلیدی «دگرگونی جامعه ایران در دهه‌های اخیر» تمرکز شده است و برای به دست آوردن تصویری از این روند تاریخی، با یکی از صاحب‌نظران شناخته‌شده و ایران‌شناسان برجسته گفت‌وگو شده تا با تکیه بر تجربه زیسته ایشان، بستری برای مواجهه با پرسش اصلی چگونگی دگرگونی جامعه ایران در دهه‌های اخیر فراهم شود.

علی رضاقلی در محله قلهم چشم به جهان گشوده و زندگی‌ای به‌غایت تندآهنگ و مملو از حادثه و خاطره را پشت‌سر گذاشته است. وی در دهی میان شمیران و تهران قد کشید و از نوجوانی

بازار کار و رابطه کارگری - کارفرمایی را تجربه کرد. هم‌زمان با ورود به دانشگاه، راننده تاکسی مسیر پیچ‌شمیران - تجریش بود. از آن‌جا که دغدغه‌های ذهنی و کنج‌کاوی‌های رضاقلی در دانشگاه تهران پاسخی درخور نیافت، از تحصیل منصرف شد، اما نگاه نگران مادر، او را به کلاس درس و دانشگاه بازگرداند. او راه خویش را پی گرفت و از تاکسی به کامیون رسید و پشت فرمان، شمال تا جنوب ایران را شهر به شهر درنوردید تا پولی پس‌انداز کند و برای ادامه تحصیل به فرانسه برود. در پاریس در رشته جامعه‌شناسی سیاسی به تحصیل مشغول شد، اما تجربه مستقیمش از حضور در حسینیه ارشاد و سخنرانی‌های آن‌جا، سبب شد تا خیلی زود با حلقه‌ای از دانشجویان ایرانی پیوند برقرار کند و یکی از چهره‌های جوان و پشتیبان انقلاب ایران شود. وی که در حیاط خانه مشهور واقع در نوفل‌لوشاتو با رهبران انقلاب و مدیران عالی پس از انقلاب آشنا شده بود، پس از بازگشت به ایران، فرماندار پاوه شد. با کناره‌گیری دولت موقت، مدتی به سراغ کامیون‌داری رفت و پس از چندی در زمره مدیران وزارت نفت قرار گرفت. زمانی که غرضی از وزارت نفت به وزارت پست، تلگراف و تلفن منتقل شد، رضاقلی را نیز با خود به این وزارتخانه برد و او را مأمور راه‌اندازی مرکز تحقیقات پست کرد؛ همان مرکزی که تا زمان بازنشستگی در آن‌جا مشغول به کار بود. اما در میان این کشاکش‌های اداری، رضاقلی هرگز از مطالعه و پژوهش فاصله نگرفت و ژرف‌کاوی‌های مداوم در فلسفه علم، مسئله توسعه در شاهنامه، ادبیات و تاریخ ایران را دنبال کرد. نتیجه این پیگیری‌ها و ممارست‌ها هم این شد که اصلی‌ترین آثار خود، البته تا این تاریخ، را در همین دوران به نگارش درآورد و دو اثر ارزنده او با نام‌های جامعه‌شناسی خودکامگی و جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، او را به عنوان چهره‌ای صاحب‌نظر، اندیشمند و جسور و پژوهشگری نکته‌سنج و سخت‌کوش به جامعه معرفی کرد.

همه این تجربه‌ها، از رانندگی و ایران‌گردی تا تحصیل در ایران و فرانسه، از درگیر شدن در امور اداری کشور تا مطالعات گسترده و عمیق و بین‌رشته‌ای، او را به شخصیتی «پریپهلو» بدل کرده است. بر این اساس، وقتی سخن از تلاش برای افشاندن نوری هرچند اندک به راز «دگرگونی جامعه ایران در دهه‌های اخیر» در میان باشد، چرا نباید به سراغ چنین فرد پریپهلو، پر تجربه و پر خاطره‌ای رفت؟! این کتاب فقط خاطرات علی رضاقلی را در بر نمی‌گیرد؛ از زندگی و تجربه‌ها و خاطرات او آغاز

می‌شود و به مناسبت موضوع و به فراخور بحث، راهی به سوی پرسش کانونی می‌گشاید تا زمینه شناختی دقیق‌تر از ایران به دست آید. بنابراین شاید لازم به یادآوری و تأکید باشد که مبنای آنچه در این کتاب آمده، خاطرات، دیده‌ها و شنیده‌ها، و تجربه‌های علی رضاقلی است. از این منظر نمی‌توان هر آنچه را او دیده و تجربه کرده، به تمامی و یک‌سره به «همه جامعه» تعمیم داد. قلهکی که او ترسیم می‌کند، قلهکی است که در کودکی و نوجوانی به همراه خانواده و دوستانش در آن جا ساکن بوده. اگر زندگی در قلهک برای رضاقلی تصویرگر زیستی با افق و چشم‌انداز محدود است، شاید از چشم فرزندان متمولان و ثروتمندان آن روزها که در قلهک باغ‌های وسیع و خانه‌های اشرافی داشتند، یادآور آسایش و فراخی و سرزندگی بوده باشد! اگر قلهک آن روزها در چشم این بن‌زاده، دهی نشسته بر شانه تهران بوده، باز شاید در چشم فرزندان خانواده دشتی و فرمانفرما و هدایت و امینی و امیرانی و مانند این‌ها که از بزرگان کشور بودند و در اطراف قلهک باغ و خانه داشتند، کانون خاطراتی از هوای خوش و محیطی زیبا و نشست‌وبرخاست مشاهیر و افراد سرشناس باشد!

این کتاب ثمره شانزده نشست طولانی با این ایران‌دوست دوست‌داشتنی است که ما را به حضور پذیرفت و زمان و انرژی درخور توجهی را صرف گفت‌وگو با ما کرد. بخش اصلی گفت‌وگوها در منزل شخصی ایشان در نیاوران و چند جلسه هم در منزل یکی از دوستانشان در روستای گلکان (لواسان)، در تابستان و پاییز سال ۱۳۹۸، به انجام رسید. البته طی سال‌های گذشته بسی بخت‌یار هم بوده‌ایم که روایت‌ها و خاطراتی از ایشان را جسته‌وگریخته در کلاس‌ها و سخنرانی‌ها و نیز در مجالست با ایشان شنیده‌ایم؛ دیگر دوستان و استادان نیز گاه‌وبی‌گاه نکاتی را درباره ایشان نقل کرده‌اند که از آن‌ها بهره برده‌ایم. حضور در سخنرانی‌های ایشان، خود فرصتی بود تا با گوشه‌ای از زندگی و خاطرات ارزنده‌شان آشنا شویم، زیرا در سخنرانی و کلاس درس همیشه با مثال‌ها و شواهد تاریخی مطالب را بیان می‌کنند و بخشی از این شواهد و مثال‌ها مربوط به زندگی شخصی و تجربه‌های زیسته خودشان بود. این گونه بود که پس از سال‌ها مؤانست با این خاطرات، تدوین و عرضه عمومی آن‌ها پیش چشم آمد.

مزاحمت‌های طولانی و متعدد ما به خود ایشان محدود نبود و خانواده این مرد نکته‌سنج را نیز آزد. بی‌تردید تمام زمان‌هایی که این پژوهشگر خستگی‌ناپذیر صرف گفت‌وگو با ما کرد، به خانواده

و زندگی شخصی ایشان تعلق داشت که ما آن را برای تدارک این کتاب «مصادره» کردیم. امید که نتیجه این مزاحمت‌ها اثری ارزشمند و درخور تأمل باشد.

در این کتاب، نخست تلاش شده پیشینه خانوادگی علی رضاقلی معرفی و با گفت‌وگو درباره محیط آن روزهای قلهک، فضای تربیتی و بالندگی ایشان ترسیم شود. در ادامه، خاطرات ایشان در دوره‌های مختلف، از جمله دوران تحصیل در دانشگاه، اشتغال به رانندگی، روزهای حضور در فرانسه، وقوع انقلاب و اشتغال به مشاغل دولتی و در آخر، فعالیت‌های پژوهشی ایشان مرور شده است. اما از آن‌جا که قصد و غرض اصلی صرفاً ثبت خاطرات نبوده، به فراخور هر موضوع تلاش شده است درباره دیدگاه‌های تحلیلی ایشان نیز گفت‌وگو شود.

در پایان شایسته است از استاد ارجمند و ایران‌شناس ایران‌دوست، جناب آقای علی رضاقلی، و خانواده ایشان سپاسگزاری کنیم. همچنین باید فرصت را مغتنم بشماریم و از پژوهشگر و تاریخ‌شناس گرامی، جناب آقای محمد ترکمان، نیز قدردانی کنیم که بخش‌هایی از پیش‌نویس کتاب را خواندند و نکاتی بس ارزنده به آن افزودند. همچنین لازم است از آقایان غلامحسین حسن‌تاش، علی عرب‌مازار یزدی، محمد رضایی، فرشاد مؤمنی و محسن گودرزی که تقاضای ما را پذیرفتند و کتاب را پیش از چاپ خواندند و نکاتی بسیار ارزشمند در جهت بهبود و اصلاح این اثر مطرح کردند نیز قدردانی کنیم. همچنین لازم است از سرکار خانم یلدا جعفری‌بیرون که با حوصله و دقت، فرایند ویراستاری و طراحی جلد را پیگیری و هماهنگ کردند نیز قدردانی شود. تنظیم و عرضه این کتاب نتیجه همراهی و همکاری نشر نهادگرا است. از دوست گرامی، جناب آقای محسن ایزدخواه، مدیر نشر نهادگرا و همکاران ایشان، و دیگرانی که ما را در این مسیر یاری کردند نیز صمیمانه سپاسگزاریم.

اگر مطالعه این کتاب بتواند خواننده را به تفکر بیش‌تر و ضرورت پشتکار داشتن برای آبادانی ایران و صدا البته به ایران‌دوستی فراخواند، تلاش چندماهه ما بی‌ثمر نبوده است.

میکائیل عظیمی

رسول رئیس جعفری مطلق

تیرماه ۱۴۰۰